نخستین جشنواره جهانی فیلم تهران



شاهد عینی

- آرشیو فیلم ایران : گذشته و آینده
- جشنواره‌های جهانی فیلم
- مختصری از تاریخچه سینمای ایران
- سینمای انگلستان در نخستین جشنواره جهانی فیلم تهران
- گفتگوئی با نیناکامپانز ، کارگردان فوستین و تابستان زیبا
- خبرها و نظرها

شمارهٔ ۱۳

چاپخانهٔ وزارت فرهنگ وهنر

آرشیو فیلم ایران

گذشته و آینده

* درپیشبرد وآموزش سینما خاصه برای آن گروه از علاقمندان جدی‌تر فیلم که اغلب بنوعی دراین‌کار فعالیت دارند «کانون فیلم» نقش مؤثروسازنده‌ای را - با تمام محدودیتهایی که باآن روبرو بوده‌است - بعهده داشته است. این‌کانون برای‌گروهی از علاقمندان به‌سینما ناشناخته‌است وبه‌همین‌دلیل به‌نیست تاریخچه‌ای ازفعالیت این مؤسسه فرهنگی بازگو شود.

* بار اول دربیست‌وسه سال پیش (۱۳۲۷) چهارنفر: فرخ غفاری، کارگردان وسینماشناس (مدیر نخستین جشنواره جهانی فیلم تهران)، مجید رهنما که بعداً وزیرعلوم شد، دکترعبدالله جیبی و دکتر شمس‌الدین مفیدی‌که همگی از شیفتگان سینما هستند پایه‌گذار مؤسسه‌ای شدند بنام «کانون ملی فیلم». درآن زمان وزارت فرهنگ وهنر هنوزتأسیس نشده‌بود اما اداراتی مثل اداره هنرهای زیباکه بعداً دراین‌وزارتخانه ادغام گردید با این مؤسسه همکاری داشتند وسالنهای کوچك نمایش خودرا برای نمایش فیلم دراختیار این‌کانون قرارمی‌دادند (سالنهای موزه، هنرستان هنرپیشگی وتالار فرهنگ).

* نخستین برنامه فوق‌العاده نمایش فیلم با «هفته فیلم» توسط این «کانون» برپا شد. این رویداد را شاید بتوان اولین «جشنواره» سینمایی درایران بحساب آورد که درآن طی یك هفته فیلمهای انگلیسی خوب آندوره (مستند وکلاسیکهای تئاتری) به نمایش درآمد. جلسات نمایش کانون ملی فیلم دوهفته یکبار وبعضی اوقات هفتگی بود.

* وجود وفعالیت کانون ملی فیلم طی یك دوره و با وقفه‌های بسیار بهرحال ضرورت وجودی سازمانی با اختیارات وامکانات بیشتر تشدیدکرد.

* در ۱۳۳۷ (دسامبر ۱۹۵۸) گروه دیگری گردهم آمدند وپایه‌گذار کانون فیلم ایران ویا با نام اخیر آن «آرشیو فیلم ایران» شدند. ازگروه قبلی تنها فرخ غفاری‌که بدون سینما نمی‌توانست ونمی‌تواند سر کند باقی ماند وعلی منصور (نخست وزیر متوفی) ودکتر هاکوپیان (مدیرکل اداره روابط فرهنگی وزارت‌فرهنگ وهنرکه سابقه طولانی درکارهای مطبوعاتی خاصه درزمینه آموزش واعتلای موسیقی وهنر دارد) نیز به او ملحق شدند.

* کانون فیلم ایران از اولین روزتأسیس وابسته به وزارت فرهنگ وهنر اعلام‌گردید.

* کانون درحال حاضر بوسیله عضویت در دوسازمان جهانی سینمایی: فدراسیون‌جهانی بایگانیهای فیلم، واتحادیه جهانی موزه‌های فیلم با کانونها وفیلمخانه‌های‌کشورهای مختلف ارتباط دارد. مؤسسات بنامی که تابحال با «آرشیو فیلم ایران» همکاری داشته‌اند عبارتند ازسینماتك فرانسه، نشنال فیلم آرکایو لندن، موزه هنرهای‌جدید نیویورك، قسمت فیلمخانه، سینماتك بلژیك، سینماتك دولتی شوروی - مسکو، سینماتك ملی روم وموزه سینمایی تورن (تورینو).

* درحال حاضر آرشیو فیلم ایران رسماً ۱۴۶۰ نفرعضودارد، اماتعداد استفاده‌کنندگان‌از برنامه‌های «آرشیو» مسلماً ازتعداد اعضاء رسمی فراتر می‌رود. آرشیو درحال حاضر هرفیلم را درچهار نوبت طی دو روز درهفته درتالار فارابی (درمحل وزارت فرهنگ‌وهنر) به‌نمایش می‌گذارد ومعمولاً همراه با یك فیلم بلند یك یا دوفیلم‌کوتاه نیز نمایش داده می‌شود.

آرشیو فیلم ایران تابحال ۴۰۰ نوبت نمایش فیلم (هربرنامه) داشته است و ۶۰۰ فیلم مختلف (با توجه به شماره‌های‌فیلم‌کوتاه) نمایش داده شده‌است. آرشیو فیلم ایران مورد رجوع آرشیوهای‌کشورهای دیگر برای تهیه ونمایش فیلم‌های ساخت ایران نیز می‌باشد وبه این‌وسیله واسطه‌ایست برای معرفی سینمای ایران درخارج ازکشور.

برنامه‌های آینده آرشیو فیلم ایران

* به قرار اطلاع قرارداد ارسال‌کلیه آثار فیلمساز برجسته ژاپن آکیرو کوروساوا بامضاء رسیده است وفیلمهای این فیلمساز درطی یك برنامه «مرور درآثار» بمعرض تماشا قرار داده خواهد شد.

* دوره مرور درتاریخ سینما ازپائیز ۱۳۵۱ برنامه بسیار مهم و ذیقیمت آرشیو فیلم تهران را تشکیل می‌دهدکه بمدت دوسال ادامه خواهد داشت وطی آن ۲۰۰ فیلم بزرگ تاریخ سینماازدوره‌صامت، ازلومیرتااکسپرسیونیستهای آلمان، ازگریفیت تا ۱۹۶۰ نشان داده خواهد شد. با اجرای این برنامه یکی ازمهمترین کلاسهای آموزش سینما درایران تشکیل خواهد شد وآرزوی بسیاری ازشیفتگان سینما درایران برآورده خواهد شد.

* با توجه به استقبال روزافزون از برنامه‌های آرشیو فیلم ایران نوبت‌های نمایش هرفیلم ازچهاربار حداقل به شش‌بار طی سه شب درهفته افزایش خواهد یافت و با توجه به تعداد فیلمها (۱۰۰ فیلم درهرسال) آرشیو فیلم لااقل شش روز درهفته برنامه خواهد داشت.

* آرشیو فیلم ایران با توجه به وضعیت آرشیوهای فیلم کشورهـای همجوار یکی از غنی‌ترین کتابخانه‌های سینمایی‌را با ۳۰۰۰ کتاب وتعداد قابل ملاحظه‌ای نشریات سینمایی وعکس بوجود آورده است ودرفیلمخانه «آرشیو فیلم ایران» نیز تا بامروز ۳۰۰ فیلم (نیز) مختلف جمع‌آوری شده‌است.

* آقای فرخ غفاری مدیرآرشیو فیلم ایران است وآقای خجسته دبیر اجرائی [illegible] مدیر آرشیو ویك متصدی فیلمخانه وکتابخانه کادر اجرایی آرشیو فیلم ایران را تشکیل می‌دهند.

ازآنجاکه آقای فرخ غفاری مدیر آرشیو فیلم ایران همیشه ازپیشنهادات علاقمندان به برنامه‌های آرشیو فیلم ایران استقبال‌کرده‌اند، ضمن تشکر ازفعالیت چندین ساله آرشیو فیلم ایران بدرج چند پیشنهاد ونظر نیز [illegible] می‌شود:

۱ - تهیه یك سالن اختصاصی برای برنامه‌های آرشیو فیلم ایران بابرنامه‌های مداوم روزانه.

۲ - تقویت‌کادر اجرایی «آرشیو فیلم ایران» خاصه درزمینه تهیه جزوات اطلاعاتی وآموزشی و درباره مکاتب سینمایی، خلاصه داستانها ومعرفی فیلمسازان وفیلم نگاری.

۳ - ایجادشبکه‌ارتباطی‌باتمام دانشگاههای کشور برای انتقال برنامه‌های «آرشیو فیلم ایران» برای منظورشدن درفعالیتهای‌فوق‌برنامه دانشگاههاخاصه درشهرستانها (درصورت‌امکان).

مؤخره:

*** دیروز روی صندلیهای فلزی یك سالن محقر کوچك در جوار ساختمان اصلی وزارت فرهنگ وهنر کنار یك «بخاری‌نفتی» می‌نشستیم وبه صحبت‌ها و سخنرانیهای کوتاه و بلند فرخ غفاری وگاه دیگران ومعمولاً بدو زبان فارسی و فرانسه درباره فیلمهای مورد نمایش گوش می‌دادیم.**

*** امروز تالار فارابی را دراختیار داریم که سالن راحت ومناسبی است، منتهی بعلت برنامه‌های دیگر وزارت فرهنگ وهنر همیشه دراختیار «آرشیوفیلم» نمی‌تواند باشد وضمناً به هزارویك‌دلیل دچار «استعمال دخانیات ممنوع» هم هست که خاصه درهنگام تماشای بعضی‌فیلمهای بلند و وراج بزبانهای یأجوج مأجوج وبدون زیرنویس دمار از «علاقمندان سیگاری سینما» درمی‌آورد.**

*** فردا، سالن نمایش اختصاصی خواهیم داشت، جزوات مرتب ومستند، سخنرانیهای بهتر وفیلمهای‌بیشترومناسبتر با شأن یك «آرشیو فیلم» طراز اول، این‌یك‌آرزوی قابل‌پیش‌بینی وممکن است و از بانی خیر آرشیو و دیگر همکاران و پشتیبان آرشیو (وزارت فرهنگ وهنر) انتظار داریم.**

فریدون معزی مقدم

از انتشارات کمیته روابط عمومی جشنواره
وزارت فرهنگ وهنر، تلفن: ۳۱۱۲۴۴ و ۳۱۸۶۳۷

تاریخچه مختصر سینمای ایران

دقیقاً اولین فیلمی‌که درایران ساخته شده، فیلمی است ازمراسم تاجگذاری مظفرالدین‌شاه که در سال ۱۳۱۳ هجری قمری وسیله «روسی‌خان» که یکی از اتباع روسیه بود، فیلمبرداری شد. وی درسال ۱۲۷۹ شمسی دراوائل خیابان فردوسی، دریك آتلیه عکاسی وسیله پروژکتور پاته که روشنائیش را مشك اکسیژن تأمین میکرد، به نمایش فیلم‌های‌کوتاه پرداخت، پس ازآن ضمن بوجودآمدن سالن‌های سینما، فیلم‌های‌کوتاه خبری نیز تهیه میشد.

درسال ۱۳۱۰ شمسی برای اولین‌بار فیلم سینمائی درایران تهیه شد، فیلم «آبی ورابی» نـام داشت و صامت بود، «آبی ورابی» را «پروفسور اوهانیان» با شرکت «مهندس ضرابی وسهرابی» ساخت.

اوهانیان درهمین سال یك مدرسه سینمائی تأسیس‌کردکه بعدها (۱۳۱۲ شمسی) شاگردان این مدرسه خود بدو دسته تقسیم شده، یك دسته به سرپرستی «اوهانیان» فیلم «حاجی‌آقا، آکتور سینما» و دسته دیگر به رهبری «ابراهیم مرادی» فیلم «بوالهوس» را ساختند، که هردو فیلم صامت بود و نمایششان مقارن با نمایش اولین فیلم ناطق ایرانی بنام « دختر لر » بود.

فیلم «دختر لر» را «عبدالحسین سپنتا» درهندوستان با شرکت خود، روح‌انگیز، سهراب وهادی با مشارکت «اردشیر ایرانی» در استودیو امپریال بمبئی ساخت. « سپنتا » درسال ۱۳۱۰ شمسی به دعوت رئیس انجمن زرتشتیان بنام «دین‌شاه» بمنظور ترجمه وتألیف‌کتب مربوط به ایران‌شناسی عازم بمبئی شد ودرجلسات «دین شاه» وی بـا «اردشیر ایرانی» آشنا شده وطرح تهیه فیلم ایرانی ازهمین‌جا ریخته شد. این فیلم موفقیت زیادی طی نمایشش درایران بـدست آورد ونتیجه‌اش تهیه فیلمهای دیگری بنامهای فردوسی، نادرشاه، خسرو وشیرین و لیلی و مجنون شد که هرگز موفقیت « دختر لر » را تجدید نکردند . . .

جز این فعالیت فیلمسازی‌که وسیله ایرانیها درهندوستان صورت میگرفت، درایران بعد ازشکست دوفیلم سینمائی صامت، کوششی برای فیلمسازی بعمل نیامد وآنچه‌که درفاصله سالهای ۱۳۱۲ تا ۱۳۲۶ ساخته شد، تعدادی فیلم‌های‌کوتاه ویا مستند است‌که مهمترینش اینها هستند:

مناظرتهران، قصرهای سلطنتی، قسمتی‌اززندگانی‌خصوصی شاهنشاه وعلیاحضرت ملکه، که روز سه‌شنبه هشتم اردیبهشت ۱۳۲۶ شمسی در کانون هدایت افکار نمایش داده شد وهم‌چنین چند حلقه فیلم ناطق ازمناظر و هنرهای ایران‌که توسط « استفان نایمن » (نماینده کمپانی فوکس) تهیه شده بود ودریازدهم خرداد ۱۳۲۷ شمسی به نمایش درآمد.

واما بنای فعالیت‌های سینمائی به طریق جدی وبشکل حرفه‌ای از اواسط سال ۱۳۲۶ آغاز شد، واین بعد اززمان‌کوتاهی بودکه «دکتر اسماعیل‌کوشان» به دوبله فیلم‌ها اشتغال داشت واستقبالی‌که ازفیلمهای دوبله میشد، انگیزه‌ای جهت تهیه فیلم پدید آورد، این ابتدا یك فکر بود وعملی‌کردن این اندیشه ساده نبود وآنهاکه پراکنده بکار فیلم کوتاه بودند، خارج ازدسترس مینمودند، معهذا این فقدان مانع آن نشدکه دکتر اسماعیل‌کوشان هدفش را دنبال نکند وبهمین منظور، قصدش را با چند تن ازدوستانش (دکترضیائی، دکتریگانگی، مهندس انصاری، دکتر شیخ، دکتر مهندس حمزوی) درمیان گذارد وبعد از اولین جلسات، میترا فیلم بوجود آمدکه ثمره تلاششان نمایش اولین فیلم ناطق سینمائی به سال ۱۳۲۷ شمسی با نام «طوفان زندگی» بودکه درآن «زینت مؤدب» و «آوینا آشید» بازی میکردند، فیلم درحضور والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی درسینما رکس‌افتتاح شد، فیلم چون ایرانی بود وبازیگران بومی درآن بازی داشتند، برای تماشاگران جالب بود وبهمین جهت درسه روز اول نمایش فیلم، هیجان‌زدگی وهجوم به سینما سبب شدکه درظاهر فیلم «طوفان زندگی» موفق جلوه کند، منتهی چون سوژه فیلم وبعلاوه امکانات آنچنان نبودکه تماشاگر را جلب‌کند وبعلاوه فیلم ازهرگونه ظرافتی عاری بود، تنها به‌ضبط یك داستان ناپخته وسیله تصاویری بد رنگ مبادرت شده بود، بزودی تماشاگران ازآن سرخوردند ونتیجتاً فیلم با شکست روبرو شد واین شکست سبب‌گردیدکه «میترافیلم» منحل شود، اما دکتر کوشان به‌کارش و راهش اعتقاد داشت وبهمین جهت با تأسیس پارس‌فیلم‌کارش را دنبال می‌کند. و درسالهای تجربه‌که در وهله اول به اتکاء محتوی رونق دارد وبعد به‌جهت ضعف تکنیك، کاهلـی، بی‌سلیقگی و عقب‌بودن دست اندرکاران ازسینمای روز، عدم اقبال عامه را ازسینمای وطنی تشدید می‌کند، دکترکوشان ابتدا با تهیه فیلم‌های «سکوپ ورنگی» وبعدها با تهیه فیلم‌های مشترك باکشورهای فرانسه وترکیه، سعی درحفظ تماشاگران مینماید، که نتیجه‌اش بهمراه تلاش‌گروهی، دسته‌ای دیگر ازعلاقمندان مستعد، بصورت استقبال شدید مردم ازمحصولات داخلی وتوسعه آن بصورت‌افزایش‌تعداد آثار وصدور آنها به‌کشورهای هم‌جوار نظیر «شوروی، پاکستان، افغانستان، ترکیه، کشورها وشیخ نشینهای سواحل خلیج فارس، هم‌چنین‌کشورهای آفریقائی» شده‌است.

موفقیت فیلم‌های‌ایرانی درچند فستیوال‌معتبرجهانی‌وتهیه فیلم‌های مشترك با «امریکا، فرانسه، ایتالیا، ترکیه، هندوستان، لبنان»، سینمای ایران را تدریجاً به سوی تکاملی غنی‌تر سوق میدهد وآهنگ این تکامل مسلماً با برگزاری جشنواره‌های جهانی ومملکتی سینمایی سریعتر خواهد شد.

جمال امید

جشنواره‌های جهانی فیلم

از : جمال امید

* جشنواره جهانی تهران ، تازه‌ترین جشنواره‌ایست که در جهان آغاز بکار کرده‌است و با اقبالی که جهان سینما برای شرکت دراین جشنواره نشان داده است ، باحتمال قوی «جشنواره بین‌المللی تهران» ، بزودی در زمره معتبرترین فستیوالهای دنیا قرار خواهد گرفت . وبهمین‌جهت بی‌مناسبت نیست‌که چند جشنواره جهانی فیلم دیگر را نیز بشناسیم .

***

فستیوال ونیز

● قدیمی‌ترین فستیوال ، دربین مهم‌ترین فستیوالهای سینمائی امروز در کشورهای جهان فستیوال «ونیز» است که نحوه و چگونگی پیدایش آن در مقاله‌ای‌کوتاه بقلم «فیلیپ ارلانژه» که بعدها فستیوال کان را نیزبوجود آورد ، میخوانید :

« در شروع دهه ۳۰ در رفت‌وآمد جهانگردان به « ونیز » بحرانی پیش آمد که قاعدتاً زیان زیادی را سبب میشد ، مقامات مسئول وقت ، بمنظور از بین بردن این بحران ، رویه‌های متفاوتی را تجربه کردند ، از جمله اینکه یك بی‌ینال نقاشی بوجود آوردند که هنوز هم دوام دارد و پس از آن آقائی با نام «دفئوس» مصمم شد کـه یك مسابقه سینمائی بطور سالیانه در ونیز بوجود آورد که اولین آن نیز در سال ۱۹۳۲ انجام شد و مدتی بعد «فستیوال ونیز» لقب گرفت .

دراین فستیوال ابتدا انتخاب فیلم‌ها قاعده معینی نداشت و بدین منظور من در فرانسه کمیته‌ای جهت گزینش فیلم وارسال آن به ونیز بوجود آوردم ، این رویه موفقیت‌آمیز بود و بهمین جهت پس از سال ۱۹۳۵ سایر ممالك نیز از ما تقلید کردند ، سپس کمیسیون مرکزی گزینش فیلم هم تشکیل شد و با این کیفیت از سال ۱۹۳۵ ، مکانیسم کلی فستیوالها پایه گرفت .

***

فستیوالهای پیش از جنگ خوب کارمیکرد ، اما ازسال ۱۹۳۷ که آتمسفر سیاسی دنیا سنگین شد و بوی جنگ بمشام رسید ، تحریکات خارجی وسیاسی نیز در فستیوال ونیز آغاز گردید .

بخاطر دارم که در فستیوال ۱۹۳۷ همه تصور میکردند کـه فیلم «شعبده بزرگ» فرانسه جایزه موسولینی را (که بعدها جای خودرا به شیر طلا داد) بدست خواهد آورد ، اما نماینده آلمان که موضوع فیلم را برخلاف مصالح کشور خود میدید ، دست به فعالیت عجیبی زد ومانع برنده شدن فیلم گردید . هیأت داوری که تحت فشار قرار گرفته بود ، بناچار جایزه‌ای هم بنام جایزه مخصوص ابداع کرد و به آن فیلم اعطاء نمود (و ازآن زمان جایزه مخصوص داوری تنها حربه داوران درمقابل اعمال‌نظرهای دول است) باید گفت که «گوبلز» وزیر تبلیغات آلمان شخصاً برای اطمینان از عدم اهدای جایزه اول به فیلم فرانسوی به ونیز آمده بود . سال۱۹۳۸ نیز همین بلابر سر فیلم‌های ارسالی آمریکا و انگلستان آمد و آنها گفتند که دیگر آثار خودرا به فستیوال نخواهند فرستاد. من‌بعدازاین موضوع فکری بخاطرم رسید که در فرانسه فستیوال ایجاد کنم و متفقین خودرا به نمایش فیلم‌های‌خویش در آنجا تشویق نمایم ، طرح فستیوال کان ریخته شد و قرار بود اول سپتامبر ۱۹۳۹ افتتاح شود که به جنگ برخورد و هفت سال به تعویق افتاد.»

فستیوال ونیز که یکی ازجدی‌ترین ودر عین حال قدیمی‌ترین مسابقه‌های بین‌المللی سینمائی دنیا بشمار میآمد ، تا به امروز بعلت حوادث بیشمار ، ازجمله وقوع جنگ در پاره‌ای ازسالها برگزار نشده است .

در سال ۱۹۶۳ در فستیوال ونیز طی یك برنامه مخصوص (نظری به گذشته) کلیه فیلمهای قابل توجهی که از آغاز تشکیل این فستیوال تا بحال درآن عرضه شده است و در تاریخ سینما مقامی یافته‌اند ، بمعرض نمایش درآمد.

برای فستیوال ونیز - برخلاف فستیوالهای دیگر - کشورهای شرکت‌کننده به انتخاب فیلم‌های مورد نظرجهت شرکت در مسابقه مبادرت نمیورزند بلکه کمیته فستیوال ونیز راساً چهارده فیلم را که بنظر اعضای آن بهترین فیلم‌ها هستند جهت شرکت در مسابقه انتخاب میکنند .

چند سالی است‌که فستیوال ونیز به فیلمی جایزه نمیدهد ، این بعداز بحرانی است که به جهات سیاسی دراین فستیوال بوجود آمده و چون فستیوال فاقد هیئت داوری است ، مجمع منتقدین ، فیلمهارا انتخاب میکنند .

فستیوال کان

● نحوه پیدایش فستیوال کان‌را در یك مقاله کوتاه از «فیلیپ ارلانژه» مطالعه میکنید .

«فکر ایجاد این فستیوال در سال ۱۹۳۸ بوجود آمد تمام زمستان این‌سال شورای وزیران فرانسه در تردید بودند، جمعی این فستیوال را برای تجلی‌مظاهر یك دنیای آزاد ، لازم دیده و جمعی دیگر آن را موجبی بـرای تحریك موسولینی میدانستند ، بهرحال در بهار آنسال تصمیم نهائی اخذ شد و «جمعیت فرانسوی فعالیتهای هنری» که من آنرا اداره میکردم ، از طرف دولت مأمور تأسیس فستیوال گردید .

قراردادی با شهر «کان» امضاء کردیم . البته شهر «بیاریتز» هم شدیداً با «کان» رقابت میکرد . «لوئی لومیر» پدر سینما ، ریاست اولین فستیوال‌کان را که در اول سپتامبر ۱۹۳۹ برگزار شد پذیرفت .

مقدمات امر باکمك دولتین‌انگلیس وآمریکا فراهم شده و باید گفت کـه بدون کمك آنها این امر امکان نداشت .

قاعده‌ای که من برای توزیع‌جوایز درنظر داشتم ابتدا چیز دیگری بود قرار بود که هر کشوری چند فیلم به‌فستیوال بفرستد وبه‌بهترین فیلم هر کشورجایزه‌ای

داده شود . باین ترتیب پیشرفت سینما در هرکشوری تشویق میشد و به توسعه‌جهانی آن کمك میگردید .»

***

فکر ایجاد فستیوال در سال ۱۹۳۸ بوجود آمد و قرار بود برای اولین‌بار در سپتامبر ۱۹۳۹ افتتاح شود وهمه‌چیز آماده بود ، اما چون جنگ جهانی چند روز قبل شروع شده و بسیج عمومی اعلام شده بود ، فستیوال بهم خورد وتا هفت سال بعد یعنی ، ۱۰ سپتامبر ۱۹۴۶ به تعویق افتاد .

اولین فستیوال فیلم کان در سال ۱۹۴۶ تشکیل شد و در سال ۱۹۵۰ هم بدلایلی فستیوال تشکیل نشد ، در سالهای اول و دوم هرکشوری عملاً یك جایزه می‌برد ولی درسال ۱۹۴۸ جوایزعنوان‌های مخصوصی یافتند : بهترین فیلم روانی و عشقی ، بهترین فیلم حادثه‌ای و پلیسی ، بهترین فیلم کمدی موزیکال ، بهترین فیلم نقاشی متحرك و . . . .

واز سال ۱۹۴۹ ترتیب جایزه‌ای داده شد که «جایزه بزرگ» نام گرفت وبعداً به «نخل طلا» تغییر اسم داد .

فستیوال کان‌بتدریج جنبه‌جداگانه‌ای هم در حاشیه هدف سینماتوگرافیك خود یافته است ، نمایشگاهی شده است در خودنمائی‌های ستاره‌ها ، تازه هنرپیشه‌ها، دختران گمنام و مشتاقانی کـــه خود را نیمه‌برهنه برخ تهیه‌کننده‌ها وکارگردانها می‌کشانند و هرسال از میان این خیل عظیم، یکی‌دونفر شانس‌آن‌را پیدا میکنند که نظر فیلمسازی را جلب‌کرده و قدم بعالم سینما بگذارند .

نام برخی از فیلمهای برنده این فستیوال ، که جایزه بزرگ آن «نخل طلا»را دریافت داشته‌اند، ازاینقراراست : مرد سوم (انگلستان) معجزه در میلان (ایتالیا) دوشاهی امید (ایتالیا) اوتلو (مراکش) مزد ترس (فرانسه) دروازه جهنم (ژاپن) مارتی (آمریکا) دنیای سکوت(فرانسه) ترغیب‌دوستانه(آمریکا) وقتی‌که لك‌لك‌هاپروازمیکنند(شوروی) ارفه سیاه (فرانسه) زندگـــی شیرین (ایتالیا) چترهای شربورگ (فرانسه) فوت و فن (انگلستان). یك مرد و یك زن (فرانسه) خانمها و آقایان (ایتالیا) و . . . . معروفست که هیئت داوری بین‌المللی کان ، معمولاً فیلم‌هـــایی را بعنوان برنده برمیگزینند .

جوایز فستیوال کان اینهاست :

جایزه اول – نخل طلا – جایزه بهترین هنرپیشگان زن و مرد – جایزه بهترین سناریو – جایزه‌مخصوص هیات‌داوران– جایـــزه بهترین کارگردانی مانسیون مخصوص به‌هنرپیشگان یك فیلم – جوایز فیلمهای کوتاه (جایزه بزرگ – جایزه مخصوص هیئت داوران – جایزه سوم فیلم کوتاه) – جوایز ضمیمه : جایزه مجمع بین‌المللی منتقدین و جایـــزه مخصوص فیلم های جوانان – جایزه فدراسیون مطبوعات – جایزه بهترین فیلم‌برای‌جوانان – جایزه دفترکاتولیك سینما – جایزه کمیسیون عالی تکنیك سینمای فرانسه – جایزه هفته بین‌المللی منتقدین – جایزه فدراسیون سینماهای هنری و آزمایشی .



● نمائی ازمحل برگزاری فستیوال برلین

فستیوال برلین

● نخستین دوره فستیوال برلین از ششم تا هجدهم ژوئن ۱۹۵۰ به همت «دکتر آلفرد بائر» برگزار شد ، نکته جالبی که درتأسیس این‌مجمع‌بین‌المللی هنری بچشم میخورد ، فعالیتهـــای گردانندگان آن است در زمانیکه پیوسته آتش اختلافات سیاسی شعله‌ور بود ودر مکانیکه کانون این آتش است داوران و اولیاء فستیوال برلن همیشه سعـــی کرده‌اند که هنر هفتم را دور ازجنجال‌های سیاسی نگاهدارند (که دوسال‌پیش این امر با ادعای جرج استیونس (که جزو هیئت داوری بود و کمیته انتخاب را ضد آمریکائی اعلام کرد ، فستیوال از روال همیشگی خود خارج شد و حتی فستیوال تعطیل گردید .)

محل برگزاری این فستیوال در قسمت برلن غربی است و به این جهت و هم‌چنین به جهات سیاسی ، دولت شوروی اغلب دعوت مدیران فستیوال را دائر بر شرکت خود ، رد میکند .

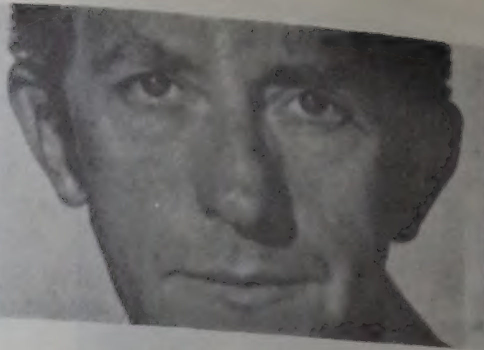
جوایز مختلف فستیوال برلیـــن عبارتست از : خرس طلا (بهترین فیلم بلند) خرس نقره (بهترین کارگردان) خرس نقره (بهترین هنرپیشگان زن و مرد) خرس طلا (بهترین فیلم مستند) خرس طلا (بهترین فیلم کوتاه) جایزه مخصوص منتقدین – جایزه مخصوص مجمع کاتولیك‌ها .

قضاوت داوران فستیوال برلین ، در مقایسه با فستیوالهای دیگر ، جز پاره‌ای از موارد که مربوط به سلیقه‌های شخصی میشود ، غالباً صائب و منصفانه بوده است ، اساسنامه این مجمع سینمائی، هدفهای هنری و مفید را ارائه میدهد و شرایطی به شرکت‌کنندگان پیشنهـــاد میکند که موجب میشود سطح کار آن درحد بالا باقی بماند ، طرح این‌فستیوال مدیون کوششهای فوق‌العاده و مستمر دکتر «آلفرد بائر» سینماشناس معروف آلمانی و مساعدتهای «ارنست رویتر» شهردار وقت برلن (سال ۱۹۵۰) است .

سیستم درجه‌بندی جوایز و نوع داوری دراین فستیوال درابتدا بنوعی دیگر بود ، مثلاً درسال اول هیأت‌ژوری فقط آلمانی بود ولی از سال ۱۹۵۲ نظیر سایـــر فستیوالها از سینماشناسان کشورهای مختلف تشکیل گردید .



کن راسل



لوئیس گیلبرت



جان شلزینگر

سینمای انگلستان در نخستین جشنواره جهانی فیلم تهران

سینمای انگلستان پنج فیلم به نخستین جشنوارهٔ جهانی فیلم تهران عرضه‌کرد : دوفیلم در قسمت مسابقه جشنواره («رفیق پسر» ساختهٔ کن‌راسل و «دوستان» ساختهٔ لوئیس‌گیلبرت) و سه فیلم نیز در بخش اطلاعاتی («شیاطین» کن‌راسل ، « یکشنبهٔ لعنتی » جان شلزینگر و «شاهد عینی» جان هاف) ، که در مجموع اگر قرار برآنست قضاوتی دربارهٔ فیلمهای انگلیسی جشنواره شود ، این قضاوت طبعاً محدود به ارزیابی کارچهارفیلمسازی می‌شودکه فیلمهایشان را درجریان جشنواره دیدیم .

مطلبی‌که درزیر می‌آید ، ازآخرین شمارهٔ فصلنامهٔ سینمائی «فیلم» گرفته شده‌است (شمارهٔ ٦٥ - بهار ۱۹۷۳) .

درمطلب‌اصلی، به معرفی کلیهٔ کارگردانهای انگلیسی پرداخته شده‌است وما دراینجا چهار قسمت مربوط به معرفی کن راسل وجان شلزینگر ولوئیس‌گیلبرت وجان هاف را نقل می‌کنیم .

جمشید اکرمی

لوئیس‌گیلبرت

LEWIS GILBERT

* یکی از کارگردانهای خسته ، ولی «مطمئن وقابل اعتماد» انگلیسی است‌که دستش به‌کار ساختن هرجور فیلمی می‌رود ! از The Greengage Summer (۱۹٦۱) گرفته تا «**هفتمین سپیده‌دم**» (۱۹٦٤) و«**آلفی**» (٦٦) - با شرکت مایکل‌کین درقالب همان کاراکتر آشنای «**لات اغواگر لندنی**» - «**شما فقط دوبار زندگی می‌کنید**» (٦۷) - یکی از دلچسب‌ترین وسرگرم‌کننده‌ترین فیلمهای جیمز باند - و « **ماجراجویان** » (۷۰) که گرچه قسمتهائی ازآنرا قبل ازپخش جهانی ، حذف کردند ، اما این تدبیرهم دررفع نقاط ضعف فیلم مؤثر نیفتاد . وآخرین فیلم او ، «**دوستان**» (۷۱) که به‌سرمایهٔ خودش درفرانسه ساخت ، غرق درآنجنان « سانتیمانتالیتهٔ » رقیقی است که تقریباً باورنکردنی به نظر می‌رسد .

جان شلزینگر

JOHN SCHLESSINGER

* یکی از معدود کارگردانهـای معتبر وارجمند سینمای‌امروز انگلستان‌به‌حساب می‌آید، ومع‌الوصف علیرغم گذشت سالهـای متمادی ، فیلمهای اولیهٔ او بخاطر وضوح و روشنی وبی‌پیرایگی ومعصومیتشان ، اهمیت وارزشی هـرچه افزونتر می‌یابند ، فیلمهائی همچون «**یکجورعشق‌ورزی**»، «**بیلی‌دروغگو**» (۱۹٦۳) و «**دارلینگ**» (۱۹٦٥) . این‌فیلمهارا شلزینگر پیش ازآنکه اعتبارکنونیش را به چنگ آورد ، درانگلستان ساخت . به‌سال ۱۹٦۷ ، «**دور از اجتماع خشمگین**» را ساخت . «**کابوی‌نیمه‌شب**» (۱۹٦۹) او ، اولین فیلمی بودکه علیـرغم پرداختن به مسائل «همجنس‌بازی» - که تا سه چهار سال پیش ، نظارهٔ آنها برپردهٔ سینما ، کراهت‌آور به نظر می‌رسید - توانست از نظر تجارتی ، توفیق درخور اعتنائی‌را حاصل‌آورد .

«**یکشنبه ، یکشنبهٔ لعنتی**» (۱۹۷۱) ، در واقع بسط همان تمها ومسائل مطرح شده در «کابوی نیمه شب» بود. . . . و فیلم آینـدهٔ «شلزینگر» احتمالاً فیلمی خواهد بودکه درآن جولی‌کریستی و گلندا جکسون ، دوزن همجنس باز ومعتاد به مواد مخدر خواهند بود .

مصاحبه مطبوعاتی

* **« لوئیس گیلبرت » کارگردان انگلیسی‌که بافیلم«دوستان» به‌نمایندگی از جانب سینمای انگلستان در مسابقهٔ نخستین جشنوارهٔ جهانی فیلم تهران شرکت جسته است ، دیروز ساعت سه بعدازظهر در مصاحبهٔ مطبوعاتی «هتل آریا شراتون» حضور یافت وبه‌سئوالات منتقدین وخبرنگاران پیرامون فیلمش پاسخ‌گفت .**

کن راسل

KEN RUSSELL

* آنچه‌که درمورد «تونی ریچاردسون» کارگردان معـروف انگلیسی می‌گویند (او کارگردانی‌است با«استعداد»فوق‌العاده وبی‌مرز. اما همیشه نیاز به یك سناریوی دقیق وسنجیده ویك تهیه‌کنندهٔ مقتدر داردکه «زیاده‌روی»های اوراکنترل‌کند ، چه همین زیاده‌روی و افراط است‌که معمولاً به‌کار اولطمه می‌زند) ، درمورد کن راسل به نحو شدیدتری صدق می‌کند !

احتمالاً دراین‌لحظه ، قضاوت این موضوع هنوز غیرممکن است‌که آیا راسل «فیلمهای جدی» می‌سازدکه «کمدی» هستند ، یا آنکه « کمدیهائی » می‌سازد که « فیلمهائی جدی » هستند !

راسل ساختن چندین فیلم را دربـرنامهٔ کارهای آیندهٔ خود دارد ، که آگاهی ازاسامی این فیلمها ، به سهم خود جالب وسرگرم‌کننده خواهد بود . اسم یکی ازاین‌فیلمها «فرانسوی» است .

جان هاف

JOHN HOUGH

* یك فیلم جنائی دلهره‌انگیز به‌اسم «**شاهد عینی**» (۷۰) که مکان‌وقوع ماجرایش جزیرهٔ مالت بود ، نخستین فرصت آشنائی با این فیلمساز جوان انگلیسی را فراهم آورد - که متأسفانه ، این‌فیلم‌وی‌راسینماگرامیدوارکننده‌ای معرفی نکرد . فیلم ، آشکارا به یك‌کارگردان مسلط‌تر و با تجربه‌ترنیازداشت‌که بتواند داستان پیچیده وپوشیده وحساس آنرا از «لودادن» خود درطول فیلم بازدارد ، وبخصوص‌که جا پایان بدی برای آن اندیشیده شده بود .

فیلم دیگری‌که «جان هاف» ساخته است ، یکی ازمحصولات ترسناك‌کمپانی «هامر» است موسوم به «**دوقلوهای شر**» که درآن «دنیس پرایس» یك مستخدم‌کمپ است و «کاتیاویت» کمی جاذبهٔ جنسی نشان می‌دهد .

POINT OF VIEW

Lewis Gilbert's film «Friends» shown as part of the competition programme and Yussof Shahin's «Tke Earth» shown as part of the information programme of the festival have attracted comments from both critics and the public.

The following is a summary of a review of Gilbert's «Friends» by Mahnaz Khavari, Kayhan International film-critic:

« . . . What upsets the film's consistency and beauty is Gilbert's use of sequences in which he shows the bodies of his couple in the nude and more than hints at their orgasm. In these sequences he completely forgets the romantico-sentimental aspect of their innocent love that makes it so convincing, so beautiful to follow . . .

«Andreas Winding's photography in Paris, Aix-en-Provence and other localities is breath-takingly beautiful. The bullfight ring, the sunset, the sequences of wild horses and seabirds are all perfect masterpieces of photography in cinema.»

The following are two views expressed about Egypt's «The Earth» shown at Cinema Diamond:

«The film's director labours his points too much. He spends a long time making a few points. On the other hand I think Shahin gives a sympathetic account of life in the Egyptian countryside in the 30s.» Farhad Samani, historian and research worker.

«I found the film tedious and slow. I am afraid Shahin has proved a disappointment although in his work there are momentary flashes of insight and cinematic vision.» Karim Yazdani, student.

جشنواره جهانی فیلم تهران
بکمك زلزله زدگان منطقه فارس می‌شتابد

درشب چهارشنبه ششم اردیبهشت که آخرین شب نخستین جشنواره جهانی فیلم تهران است برنامه مخصوصی درپیشگاه مبارك علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران با حضور کلیه میهمانان جشنواره ، مقامات سینمائی ، کارگردانان وهنرمندان مشهور جهـــان برگزار می‌شود . عواید حاصله این برنامه تمامـــاً برای کمك و بهبود وضع زلزله زدگان منطقه فارس اختصاص خواهد یافت .

TODAY'S PROGRAMME

COMPETITION PROGRAMME

(Roudaki Hall):

4 p.m. Italy—A Girl in Australia. Dir. Luigi Zampa.

Cinema Shahr Farang

2 p.m. and 7.30 p.m.
Romania — The Lost Forest. Dir. A. Blaier.
Bulgaria—To Kick the Atom. Dir. K. Obershlov.
5 p.m. and 10.30 p.m.
France — Faustine et le bel Ete. Dir. N. Companeez.

INFORMATION PROGRAMME

(Cinema Diamond):

2 p.m. and 7.30 p.m.
The United Kingdom — Eyewitness. Dir. Hough.
Bulgaria — An ant, a real ant. Dir. I. Andonov.
5 p.m. and 10.30 p.m.
The United States — French Connection. Dir. W. Friedkin.
The United Kingdom — Malevitch Supermatism. Dir. L. Becker

RETROSPECTIVE PASOLINI FILMS

(Cinema Shahr Ghesseh):

Il Decamerone.

A WRITER MAKES HER FIRST FILM

CONVERSATION WITH NINA COMPANEEZ

an independent searching head. This is what happens in «Faustine». The camera was «me». It was an eye that could mock, move or delay things because I, the maker of the film, so desires. If, for example, I suddenly fancy to dance in the middle of a scene, well then, the camera will do that for me.

Q: - How did you choose your actors?

A: - I did not ask anyone to read the scenes for me. I did not know how they would be as actors at all except Huster whom I had seen in «The Fatalist». But I was sure they were formidable. I chose who pleased me in real life. They were people who had strong personalities. Muriel Catala is a very particular personality — a sort of fascinating little animal. As for me I am «yes-no». When I saw Mariane Egerikx I said hello to her adding she would be making the film with me. That's all.

The screenplay of «Faustine» was deliberately flexible and I wanted the personages to be equally flexible so that the actors could bring out their own personalities. The film is made of them. What exhilirates me is to capture the truth of someone. To be sure every actor has a thousand truths. If I make another film with Francis Huster he will not give the same truth he gave in «Faustine».

Q: - How did you direct your actors?

A: - Muriel Catala is an actress who must be directed almost choreographically. One must give her the gestures and the intonations and she will reproduce them extraordinarily in her own way. She is a chameleon who must be given the basic notes. Francis, on the other hand, must be pushed, must be made to search. The same is true of Spiesser. These are people who search on their own and always surprise you. They bring you things you had not expected. Marianne is closer to Muriel. Isabel is undirectable for the time being. She gives herself; she gives what she is ... someone violent, aggressive, complicated. If one tries to direct her to play something else one will soon find out it is impossible. Georges and Maurice have taken part in the film like professionals. The young ones on the other hand were all making «their own film». They lived the film while working on it all the time.

Q: - How do you conceive of cinema?

A: - Making film is living, for me. This is why I shall never be able to make a film from a screenplay written by someone else. I don't fancy telling stories. I wish to transmit feelings almost physically using cinema as a medium. Emotions, impressions, elans and sensation . . . This is what I tried to register on celluloid and convey to the spectators. I believe that I wished to capture the very turbulence of life — the life both of the body and of the interior. What is marvellous in cinema is to move towards something and not reaching the goal.



The following is a summary of an interview with Nina Companeez whose first feature-length film «Faustine et le bel Ete» has been shown as part of the fist Tehran International Film Festival's competition programme:

Q: - How did you choose the subject of «Faustine»?

A: - For 10 years I made for Michel Deville films whose personages were, certainly, taken out of myself. In a broader sense, however, they were taken out of my cultural «baggage» with literary and cinematic references. For «Faustine» relied only on myself. My adolescence played a key role in shaping my world; my personality was formed by this amalgam of things I loved and hated at that age. At 15 I was a little girl who dreamed much — a little girl who invented stories in her bed before going to sleep.

I used to sleep at 3 after midnight because I was making up stories. I even got up earlier than accepted in order to make up even more stories before going to school. But I believe that many girls tell themselves tales in their beds. And this is what Faustine does. I also think that it was at such moments that I learned the technique of relating a story, of telling a tale. I remember that at times I began a dream and I was greatly moved and then, all of a sudden, the emotion would escape since I had taken the wrong direction. And yet this was no more than a little girl's dream. Then I retraced my steps and asked «Where did I make a mistake?»

Q: - What place has cinema for you?

A: - Making films, writing them and directing them make up my life. This is why it is unthinkable for me to make an adaptation of or to make a film of a screenplay written by someone else. It is as if I were in love and someone else would make love in my place . . .

Q: - Do you attach less importance to dialogue at the moment?

A: - No. But I believe that being able to express myself right to the end I would not have so much need of words now that I have the image. This is because now I can make a personage say something very important through images. Before I had to depend on words.

Q: - What did you discover while making your first film?

A: - I discovered the mise-en-scene. Before, I thought that the mise-en-scene is nothing but illustrating a good screenplay with talent and genius. It was Ken Russel who opened my eyes to the mis-en-scene the way that could interest me. It was when seeing «Love» and «Music Lovers» that I suddenly realised that «the mise-en-scene is relating something other than a story relates but this time with the camera.» It is the creation of feelings in the spectators through the camera other than those related by a screenplay. In making my first film I realised that the camera could be

HISTORY OF THE IRANIAN FILM

The first film produced in Iran was a film about the coronation of Mozaffareddin Shah Qajar. It was directed and produced by Roussi Khan, a Russian, in 1895.

This Russian director, who at the same time became the founder of the Iranian film-industry, had his own studio at the beginning of Ferdowsi Ave. With the help of a small Pathé-projector, whose source of light came from an oxygen-lamp, he showed films to the public, in his own studio. The film showed were mostly short.

After that, cinemas where built in various parts of Iran, and Roussi Khan continued to produce short films.

In 1935, the first real film was produced in Iran : it was "Abi and Rabi", from Prof. Ohanian, made with the help of Zarrabi and Sohrabi. This film was however silent.

During the same year, Ohanian set up a "Scool for Cinema". Two years later, the students of this school divided themselves into two groups : the first, led by Ohanian himself, produced the film "Haji Agha, the cinema-actor"; the second group, led by Ebrahim Moradi, produced "Lunatic". Both films were silent. The first showing of these two films took place at the same time as that of Iran's first "Talky" :

"The Lor Girl". This film was produced by Abdolhossein Sepanta.

Abdolhossein Sepanta, "father" of Iran's cinema and theater had made his film in India, in the Imperial Studios of Bombay, with Rouhangiz, Sohrab and Hadi as the main actors. He had gone to India at the invitation of the Zoroastrian Society, whose president, Din-Shah, had asked him to write and translate books on Iranology. During his stay there, he met Viba and Ardeshir Irani, with whom he decided to produce the film.

This movie had a tremendous success. It gave the signal for the production of more Iranian films, like "Ferdowsi", Nader-Shah", "Khosrow and Shirin", "Leyli and Majnoun", but none of them reached the popularity of "The Lor Girl".

Besides the production of Iranian films in India, great efforts were made in Iran also. After the failure of the first two silent films, the whole film-industry was reorganized. But the results were not satisfying at all. Between 1933 and and 1947, only a few short documentary movies were produced, like "Scenes of Tehran", "Royal Palaces", "The Private Life of the Royal Family", as well as a couple of short films on Arts, Iran's landscapes, all movies produced by Stefan Naiman, representing the Twentieth Century Fox in Iran.

It was only in 1947 that the modern and prefessional cinema was born in Iran. It all started when Dr. Esmail Koushan began to dub foreign films in Persian language. The success of the dubbed films was the best incientive for Iran's film-industry.

Koushan, braving many difficulties, never gave up and discussed his plans with the Ziai, Yeganegui, Ansari, Sheikh and Hamzavi. After several meetings, they set up the MITRA FILM Company. One year later, in 1948, the first Iranian feature-film "Storm of Life", with the actors Zinat Mo'adab and Avina Avshid could be shown to the public. The film was first shown in Cinema Rex. This performance was attended by H.I.H. Princess Ashraf Pahlavi. All Iranians were pleased to see an Iranian movie with Iranian actors. It's success didn't last long, however, The low quality of the photography, the limited production facilities and the subject of the film were the main causes of it's failure.

The Mitrafilm Company didn't survive the failure of it's first feature-film and disappeared soon. But Dr. Koushan, refusing to give up, immediately set up Pars-film Company. This marked the beginning of a long series of successes and failures : the technical problems were overcome one by one, the subject of the films were diversified. Koushan made tries in all film-categories : black-and-white, color, cinemascope. With the help of his friends, he even succeeded in producing films jointly with foreign contries, like France and Turkey.

The results are the proof of the rightness of Koushan's ideas : every year more films are produced in Iran, the number of producing studios and actors increases steadily, and Iranian films are now shown in many foreign contries, like USSR, Pakistan, Afghanistan, Turkey, the Persian Gulf States and even in some African countries.

Iranian films even got rewards at big international Film Festivals. Many of them are the result of co-productions with the United States, France, Italy, Turkey, India, and Lebanon. These two facts have enormously contributed to the satisfactory development of Iran's film-industry.

There is no doubt that this success will be even greater thanks to the Tehran International Film Festival.

IRAN FILM ARCHIVE

A GREAT CENTRE FOR FILM FANS

One of the institution that play a great role in increasing the knowledge of cinema at a higher level in Tehran is the Iran Film Archive which is, in fact, one of the very few of its kind in this part of the world.

The «archive» was founded 23 years ago by a group of lovers of cinema headed by cineaste and filmologist Farrokh Gaffary. Joining Gaffary in the venture were Majid Rahnema, Dr. Abdollah Hamidi and Dr. Shamseddin Mofidi.

They named the new institution «The National Film Centre» and soon established it as a veritable «opening towards a new kind of cinema». In those days Iran did not yet have a Ministry of Culture and Arts. But the department of fine arts that existed as part of the Ministry of Education cooperated with the new centre right from the start.

A number of individual film lovers and interested government departments also extended an assisting hand to the new centre.

Regular film shows were organised by the centre at the Culture Hall, the Museum Hall and the Faculty of Dramatic Arts Hall.

The first "extra" programme organised by the centre was a week of British feature films and documentaries. Most of the films shown as part of this programme were films made of great English plays. In a sense the event could be considered as the first "film festival" organised in Tehran.

The centre later suffered a sudden eclipse and it was not until December 1958 that it resumed its activities under a new name.

At that time a new group was formed that included Farrokh Gaffary from among those that had originally created the centre. The new organisation was called "Iran Film Centre" and included among its founders Hassan Ali Mansur who later became Prime Minister and Dr. Zaven Hacoobian who is now Director-General of the Ministry of Culture and Arts.

The new organisation was afiliated to the Ministry of Culture and Arts right from the start and has functioned as such ever since. A few years ago the new organisation was renamed "Iran Film Archive".

The Iran Film Archive is now a member of two international organisation: The International Federation of Film Archives and the International Union of Film Museums. This enables the Iranian archive to have access to film archives and cinematheques in a number of countries.

Among organisations in close cooperation with Iran Film Archive the following must be mentioned: the French Cinematheque, the National Film Archive in London, The Museum of Modern Arts in New York's film section, the Belgian Cinematheque, the State Cinematheque of Moscow, the National Cinematheque in Rome and Turin's film museum.

Iran Film Archive has 1,460 full members at present. But a larger number of people benefit from the regular film shows organised by the archive every year. At the moment the archive shows each film four times and on two days a week. Film shows are organised at the Farabi Hall of the Ministry of Culture and Arts. A short film is usually shown before each feature forming the main part of the programme.

Iran Film Archive has so far held 400 showing and has shown 600 films — including both feature and short — and is now planning to increase its coverage. All films are shown in the original version and at times they are subtitled in English or French — in the case of films from countries whose languages are not extensively known here.

Iran Film Archive is often referred to by similar organisations in other countries while also serving as a means of introducing Iranian films to the outside world.

A number of plans for the immediate future are now well underway according to the archive. Among these is a "festival" of works by the great Japanese film-maker Akiro Kurosawa whose complete works have been purchased for retrospective showing here in the near future.

An ambitious programme being worked out by the archive would present a retrospective study of the history of the seventh art.

The project is due to be implemented next autumn. Some 200 great films of the history of cinema will be shown as part of the programme. This programme which will introduce the progress of cinema from the Lumiere brothers to the German Expressionists and from Griffith to 1960 will, in fact, amount to a complete and at the same time highly enjoyable course on cinema.

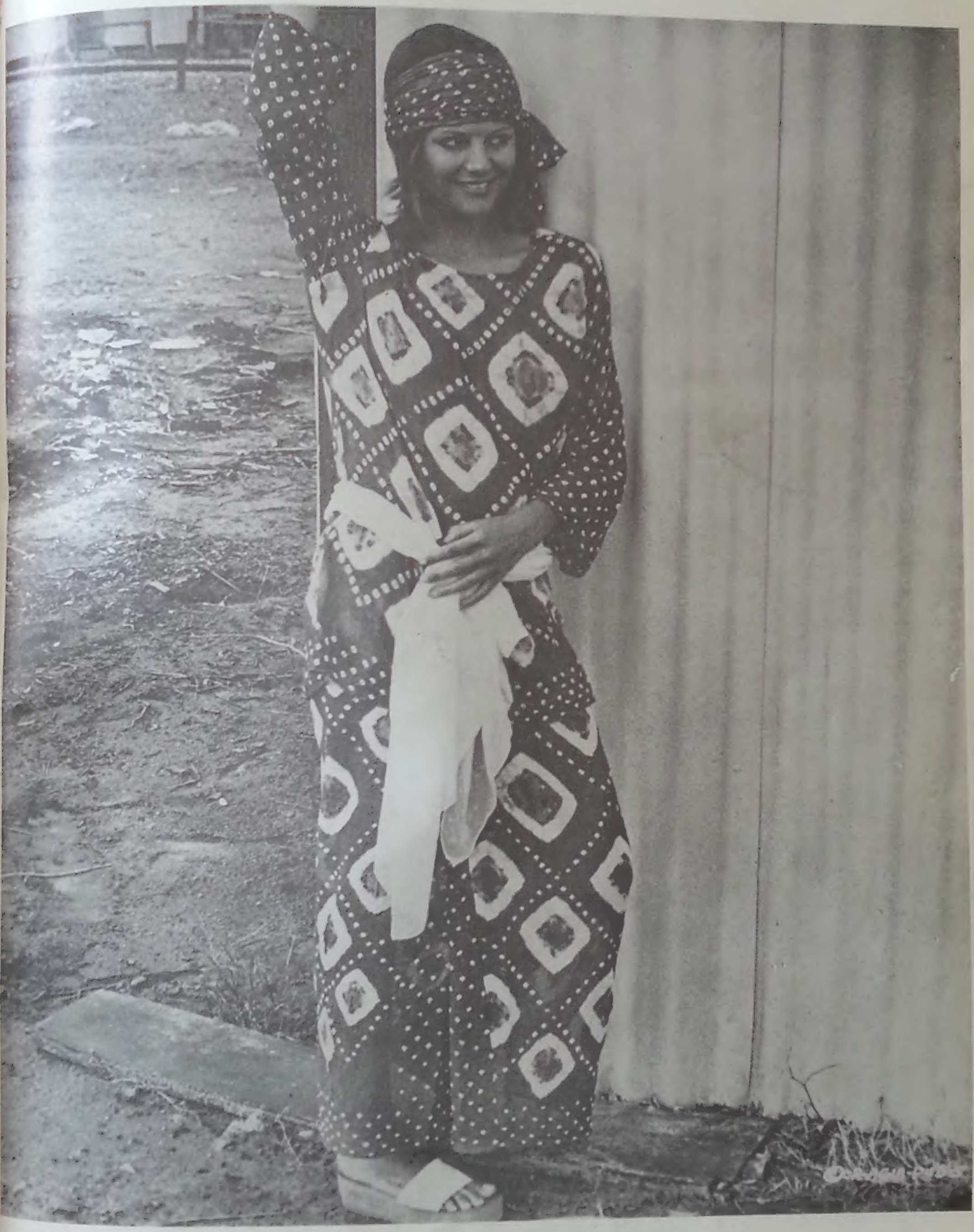
The archive is also planning to increase the number of its film shows in response to growing demand from an increasing number of film fans. In future six showing on three nights will be held each week. Over 100 feature-length films will thus be shown by the archive each year. With this number in mind the archive would have programmes on six nights each week.

Iran Film Archive has one of the best libraries on cinema in this part of the world. Over 3,000 books on cinema, including works in Persian, English, Franch and German, are available at the library in addition to a large number of other publications on cinema and film making.

Furthermore, the archive has a rich collection of some 300 films which is being increased every year.

A publication of festival committee for public relation
Ministry of Culture and Arts — Phone: 318637, 311244

TEHRAN INTERNATIONAL FILM FESTIVAL



CLAUDIA CARDINALE IN A MEMORABLE ROLE — Leading Italian film star Claudia Cardinale in a still from Luigi Zampa's «A Girl in Australia» which is the last film to be shown as part of the first Tehran International Film Festival's competition programme at Roudaki Hall this afternoon.